

از رویش یک گل تا انفجار جهان

صفائیان ، در نمایشگاه اخیرش ، یکباره از حجاب انزوا برآمد ، بینوان یک نقاش زیرک ، پرکار و متفکر تجنی کرد ، با آنکه همسر کاهلان است اما چون آنان نیست .
کوشنده ، جستجوگر و پیویاست ، درنگ نمیکند . به محدوده‌ی یافته هایش پایند نمیشود. این نقاش کوچک اندام و محبوب را نمیتوان ندیده گرفت ، از هم اکنون سایه غول آسایش را در قلمرو نقاشی میشود حس کرد . دهها کار کوچک و بزرگ او که دو طبقه‌ی نگارخانه را پوشانده ، آزمونهای گوناگون او را مینمایاند . نخست پرکاری او نظر را میگرد . او نقاش روزهای جمعه نیست که به تغن روزهای تعطیل را کار کند . همه ساعت‌های خوش‌روز یاشب راکه توان و شوق



اتری از : علی اکبر صفائیان

دارد که دیگر به رنگ و خط و ترکیب نیندیشد بکه ، از این مهارت برای تصویر کردن خیابان‌دازی های خویش به آسانی بهره‌یابد .
گاه در تابلو های او یک آدم غالباً نشسته و هوداواره مرکز تابلوست با حذف جزئیاتی از بیکر او و نشانیدن عناصری تزئینی از گل و گیاه و ابردر پیرامون جسمش .
این ترکیب در تابلو های صفائیان زیاد دیده میشود و به نمونه های نادری این ترکیب در حکمال میوسد ، اما صفائیان از این مرحله میگذرد . به زنی ، مردها و گروه های آدهیان میپردازد در این ترکیب ها که نمونه کمالش را در تابلوی «آفرینش» می بینیم و - چه شباهتی با آفرینش میکال آس دارد . آدمیان در ترکیب یا ویرانه های مدور ابر ها و حجم های موجزن و ناپایدار ، فضائی خوابگونه را ساخته اند . حادثه‌ی در این فضا اتفاق می افتد بی آنکه و تابع بصراحت مشخص شود . صفائیان از «تمام کردن» وحشت دارد در بیشتر تابلو ها ، حجم هاتمام میماند بریده و جدا شده و در فضا رها شده و آماده برای زندگی شکی دیگر .
تابلو کامل است اما حجم های آن ناتمام مانده است . در حقیقت هر جسم او در ترکیب باجسم دیگر کامل می- شود نمیاخود . همواره حجم ها در فضا رها و شناور یابی مانده اند ، بجز در بزرگترین تابلویش در این نمایشگاه که یک «تمامیت» باتمام وضوحش دیده میشود . شاید با این اثر بزرگ که در واقع جرقه‌ای از نبوغ است صفائیان به آرامش واصل شده باشد .

کارگردن داشته . در خدمت هنر کرده است .
بندی هنراست نه برده‌ی شغل . صفائیان این جنون را دارد که یکسره به خود و هنر خویش متعلق باشد ، ایندومه کارهای متنوع و فراوان که غالباً ساختنی سالهای ۵۳ و ۵۴ است تنها از زامسخنوشی و مراقبت مداوم حاصل شده مضامین کارهای او برداخت های فنی ، شگردها و تجربه های هنریش نظاریمی طولانی

شکفتگی آدم و گل

را می طلبد .
نخست به محتوی کارهایش می نگریم .
در کراو چند عنصر ، بروشنی دیده میشود :
عرفان در رابطه با اندیشه های مذهبی و بینش شرقی از یکسو و از سوی دیگر در ارتباط با ادبیات ، چشم انداز های تازه‌ی برای نقاش پدید آورده است . عرفان ، برای صفائیان قبض و گرفتگی نیست بسط و گشادگی است . شکفتن ، پرواز کردن ، از بیله تنهایی برآمدن ، با دیگران و در نهایت با جهان و آفرینش دمساز شدن است . گلهائی از قلب آدمی میرویند آدنیائی از درون گلهای سوزینند ، در فضای شکفتن در ابرها محو میشوند ، در اشیاء عالم محو میگردند در نشئی هستی غرقهاند .
اینها را صفائیان بددتررف جوئی در شعر و موسیقی عرفانی یافته و یافته هایش را با جذب و شوق بر برده آورده است . او مجذوب هستی و نشانه های آنست و این نشانهها : گل ، پروانه ، ابر ، دستبای گیرنده و نگاههای رازدار است . در تجربه‌های نخستین او در تابلوهایش : گل و آدمی هر دو برای شکفتن و هستی یافتن در کنار هم و در هم اند .
در تابلو های بعدی هر یک از این اجزا خود با عناصر دیگری که غالباً انتزاعی اند ترکیب می یابد و تزئین های شاعرانه‌ی بیشتری را پیرامون خود می نشانند .

تابلو و صورت کارهای او

صفائیان در پرداختن تابلو های خود دیدیک مینیاتورریست ایرانی را دارد . از یک حوشه تابلو خار خود را آغاز میخند ، بی طرح و نفسی از بیس .
جاذبه رنگ و خط او را به پیش میراند در پی کامل کردن دنیائی است که در ژرفای ضمیرش دارد .

از گلبرگ های یک گل آغاز میکند ، گل کامل میشود ، از تن گل دستی میروید و به سوی ابرود میخندد بحظاتی میرسد که مکاشفه او در رنگه پایان میرسد و تابلو کامل شده است .

صفائیان شیفتهی رنگ است رنگهای درخشان و تند ، رنگیائی که بدللمردگی و پربدگی رنگهای واقعی نیستند ، رنگ های دلپذیری که در خیال جان ویکیرد : زنده ، درخشان و گریزنده .

در فضای سوز رئالیستی اش ، صفائیان هذیان های خود را بیت نمی کند - بخلاف پارهی از جوانان که هر اثر بی ربط و پراکنده و کابوس واری را دنیای سوز رئالیستی نام نهاده اند - او دنیای خود را دارد گوشه کنار های این جهان معمائی رامی شناسد .
این دنیای برتر از واقعیت های روزمزه - نختنها مارا بفراموشی نمی خواند که به تفکر و امیدارد . تفکر در هستی خویش ، در آنچه از دست داده ایم و آنچه باید بجوئیم .
صفائیان مهارت فنی خود را بابت ترکیب بندی و رنگ گذاری ، در تابلو های بزرگش نشان داده است . مهارتی

سال ۵۴ -

در این نمایشگاه